

نقش میزان تحصیلات والدین در امر آموزش کودکان و نوجوانان خارجی

نوشته دلا شرودر، انستیتو جوانان آلمان

ترجمه ناصر ایرانبور، مترجم

محل تحصیل خانواده

نتایج دوازدهمین گزارش دولت فدرال آلمان در ارتباط با کودکان و نوجوانان در آلمان نشان می‌دهد که دانش‌آموزان خانواده‌های مهاجر تحصیل نکرده در موقعیت بدتری به نسبت بقیه قرار دارند. در سال آینده نیز در جشنهای پایان تحصیلات دوره متوسطه نوجوانان بیشماری در پهنه این کشور بدون مدرک تحصیلی نظام آموزشی را ترک خواهند نمود. این تعداد در سال تحصیلی ۲۰۰۲/۲۰۰۳ برای کل آلمان قریب ۹ درصد بود. این میزان در میان فرزندان خارجی و مهاجر به شیوه دهشتناکی بالاتر است: در این سال حدود یک پنجم تمام نوجوانانی که از تابعیت آلمانی برخوردار نیستند، موفق به کسب مدرک تحصیلی نظام متوسطه نگردید. گزارش جدید دولت فدرال آلمان در مورد وضعیت کودکان و نوجوانان آلمان که در ۲۵ آوگوست ۲۰۰۵ در برلین در معرض افکار عمومی گذاشته شد، بحثهای تخصصی روز در مورد آموزش و پرورش را بازتاب می‌دهد و در این راستا پرسشهایی را در مورد تأثیرات تعلق قومی بر فرصتهای تحصیلی دانش‌آموزان مطرح می‌سازد.

محرومیت کودکان نسل دوم

نتایج این بررسیها عیان می‌سازند که تعلق قومی کودکان و نوجوانان تأثیرات تعیین‌کننده‌ای بر شرکت آنها در تحصیل و به اتمام رساندن آن دارد.

دانش‌آموزان خارجی و آلمانی که مدرسه را در سال تحصیلی ۲۰۰۳/۲۰۰۴ با یا بدون پایان‌نامه تحصیلی ترک نموده‌اند (به درصد)			
خارجی	آلمانی	همه	نوع پایان‌نامه
۱۸،۱	۷،۴	۸،۳	بدون مدرک ابتدایی
۴۰،۹	۲۳،۵	۲۵،۰	با مدرک ابتدایی (پس از ۴ سال تحصیل)
۳۰،۸	۴۳،۷	۴۲،۶	با مدرک «مدرسه رئال» (پس از ۱۰ سال)
۱،۳	۱،۲	۱،۲	با مدرکی که تحصیل در مدارس فنی آموزش عالی را محق می‌سازد / دیپلم فنی (پس از ۱۲ سال تحصیل)
۸،۹	۲۴،۳	۲۳،۰	با پایان‌نامه‌ای که تحصیل در دانشگاه را محق می‌سازد (پس از ۱۳ سال تحصیل)
۱۰۰،۰	۱۰۰،۰	۱۰۰،۰	جمع

منبع: اداره فدرال آمار آلمان، ۲۰۰۵

مخصوصاً بجه‌هایی که خانواده‌های آنها از ترکیه می‌آیند، به مدارسی می‌روند که سطح تحصیلی آنها نازلتر است. اگر چه تعداد نوجوانان خارجی که مدارک تحصیلی بالایی اخذ می‌کنند به نسبت گذشته افزایش یافته است، با این وصف شمار فرزندان خارجیانی که موفق به کسب «مدرسه رئال» (۱۰ سال تحصیل)، دیپلم فنی (۱۲ سال تحصیل) و دیپلم (۱۳ سال تحصیل) می‌شوند، بسیار کمتر از آلمان‌های می‌باشد، در حالیکه تعداد آنها در گروه برخوردار از مدرک ابتدایی (پس از ۴ سال تحصیل) و یا حتی بدون هر گونه مدرک تحصیلی به نسبت آلمانی‌ها بسیار بیشتر است. مهاجرین آلمانی‌تبار نیز از

درجه تحصیلی هم‌رتبه آلمانی‌ها برخوردار نیستند، اما میزان تحصیلات آنها در آلمان از هم‌شاگردیهای خارجی خود بالاتر است. یکی از نتایج حیرت‌انگیز این بود که «فقر آموزشی» صرفاً دامن مهاجرینی که به تازگی به آلمان آمده‌اند را ننگرفته، بلکه مشمول نسل دوم خارجی‌ان (خارجیانی که اینجا متولد و بزرگ شده‌اند) نیز گردیده است.

نقش تعیین‌کننده خانواده در رشد تحصیلی

فاکتورهای مختلف اجتماعی - فرهنگی تأثیرات بسزایی بر روند و آینده تحصیلی کودکان و نوجوانان دارند. آنچه که نقش منفی ایفا می‌کند برای نمونه نظام تحصیلی سنتی و محافظه‌کارانه، زندگی در شهرکهای کم جمعیت، احساس یگانگی با کشور مبدأ و همچنین افکار سنتی در مورد زنان و دختران می‌باشند. چنانچه به فاکتورهای تأثیرگذاری که خارج از محدوده مدرسه وجود دارند، دقیق‌تر بنگریم، درمی‌یابیم که خانواده عامل تعیین‌کننده‌ای در ارتباط با امکانات آموزشی و تحصیلی فرزندان و آینده آنها می‌باشد. در خانواده مقدمات اولیه برای مدرسه و آموزش مدرسه‌ای فراهم می‌گردد. در این مکان است که بچه‌ها تکالیف مدرسه‌ای خود را انجام می‌دهند، دانش کسب شده در مدرسه را تعمیق می‌بخشند و خود را برای امتحانات آماده می‌سازند. به چه میزان و شیوه‌ای فضای خانواده شانس کودکان و نوجوانان خانواده‌های تحصیل‌نکرده و از لحاظ مالی کم‌بضاعت خارجی را در امر تحصیل کاهش می‌دهند، به یاری پنج استنتاج مورد بحث قرار می‌گیرد:

- کمک درسی به دانش‌آموزان بستگی به سطح آموزش خانواده‌ها دارد و در خانواده‌های خارجی که مدت مدیدی نیست در این کشور هستند به نسبت خانواده‌های آلمانی بسیار ضعیف است.
- بچه‌هایی که در خانواده‌های خارجی فاقد تحصیلات و از لحاظ مالی و اجتماعی ضعیف زندگی می‌کنند، در قیاس با خانواده‌های دیگر رابطه کمتری با هم‌سن و سالهای خود دارند و این تأثیرات مخربی بر روند تحصیلی آنها دارد.
- معمولاً والدین خارجی آشنایی کمتری با نظام آموزشی آلمان دارند و قادر نیستند که «سرمایه‌های» از لحاظ تحصیلی با اهمیت خود را به فرزندان خویش منتقل سازند. آنها از حیث زبان آلمانی غالباً در این وضعیت نیستند که برای فرزندان خود نقش الگو و آموزنده و در ارتباط با انتظارات تحصیلی یاری‌دهنده را داشته باشند.
- فعالیتهای مشترک خانوادگی با فرزندان در خانواده‌های خارجی بسیار کمتر از فعالیتهای مشابه در خانواده‌های غیرمهاجر می‌باشد. بدین ترتیب تجاربی که کودکان خارجی باید در خارج از محیط آموزشی (مثلاً از طریق پیک‌نیک، موسیقی، ورزش و رفتن به سینما) کسب کنند، بسیار ناکافی است.
- میزان بالایی دلبستگی و همبستگی که در خانواده‌های خارجی بین فرزندان و والدین وجود دارد یک فاکتور و عامل حمایتی مهم در مقابل انزوای اجتماعی مخصوصاً نوجوانان نسل دوم می‌باشد. ثباتی که در نتیجه این سمتگیری فرهنگی بوجود می‌آید می‌تواند نقش مثبتی در روند آموزش و تحصیل آنها ایفا کند. اما با عنایت به شرایطی که کشور مهاجرپذیر (آلمان) برای انتگراسیون آنها قائل می‌شود، این امر به یک مانع و تمرکزکننده روند تحصیلی دانش‌آموزان خارجی تبدیل گشته است.

برای اینکه دور باطل «فقر تحصیلی» و وضعیت نامناسب مالی در بین خارجی‌ان شکسته شود، کمیسیون کارشناسی خواهان اقدامات ضروری در تمام عرصه‌های آموزش و پرورش و مددکاری می‌باشد. اهمیت ویژه را برای ارتقاء امکانات و فرصتهای تحصیلی فرزندان خانواده‌های مهاجرت‌کرده به آلمان یادگیری (بیش از پیش) زبان آلمانی و کسب توانایی‌های چندزبانه دارد. اینکه آیا توانایی‌های چندفرهنگی بعنوان منبعی در روند جهانی شدن بکار گرفته می‌شود و اینکه آیا شرایط لازم در جامعه برای انترناسیونالیزه کردن بازار کار و اقتصاد ایجاد می‌گردد، بستگی به سازماندهی نوین نظام آموزش و پرورش و مددکاری این کشور دارد.

Autorin: Delia Schröder, Deutsches Jugend-Institut



Integration in Deutschland 4/2005, 21.Jg., 15. Dezember 2005